



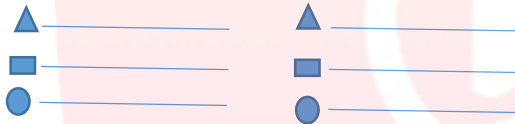
موضوع و محتوا: در این درس به اهمیت تجربه و آداب اخلاقی پسندیده در زندگی روزمره پی می‌بریم و با به کار بردن مثل و تشبیه آشنا می‌شویم.

*خواندن صحیح، در درک و فهم ابیات درس، کمک شایانی به ما می‌کند.

قالب شعر: مثنوی (دوتایی)

مثنوی یکی از قالب‌های شعر فارسی است؛ شامل بیت‌های پیاپی که هر بیت، قافیه‌ای مستقل و جداگانه دارد. برای سرودن منظومه‌های بلند شعری از این قالب استفاده می‌شود.

نمودار قالب مثنوی



۱. بجزرت کرد روزی بال و پرواز

۱. کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز

واژه‌های مهم: شوق: میل، علاقه / جرئت: شجاعت، شهامت.

نکته‌های ادبی: پرواز و باز: قافیه / کبوتر، پرواز، بال و پر: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: بچه کبوتری با میل و علاقه‌ای که به پرواز داشت، روزی با شجاعت برای پریدن پر و بال خود را گشود.

۲. گذشت از باکی بر جوکناری

۲. پدید از شاخکی بر شاخاری

واژه‌های مهم: بامک: بام کوتاه / شاخک: شاخه کوچک / جوکنار: کنار جوی (جابه‌جا شده‌اند) / شاخسار: قسمت بالای درخت که پرشاخه باشد.

نکته‌های ادبی: شاخک و شاخساری: مراعات نظیر و تضاد / شاخساری و جوکناری: قافیه.

معنا و مفهوم: از شاخه کوچکی به شاخه‌های بالای درخت پرید. از روی بام کوتاهی به کنار جوی آبی پرواز کرد.

۳. شدش کیتی بر پیش چشم تاریک

۳. نمودش بس که دور آن راه نزدیک

واژه‌های مهم: گیتی: جهان / نمودش: به نظرش آمد.

نکته‌های ادبی: دور، نزدیک: تضاد / تاریک، تاریک: قافیه.

معنا و مفهوم: آن راه نزدیک، آن قدر دور به نظرش رسید که دنیا پیش چشم او تاریک شد.

۴. زرنج سختی در ماند در راه

۴. ز روست، مست شد بر جای، ناگاه



واژه‌های مهم: ز: مخفف (کوتاه شده) از/ وحشت: ترس / ناگاه: ناگهان / سست شد: ضعیف و

ناتوان شد، خشکش زد و نتوانست حرکت کند/ درماند: درمانده شد، ناتوان شد.

معنا و مفهوم: از ترس، ناگهان در جایش بی حرکت ماند (خشکش زد). از شدت خستگی نتوانست به راهش ادامه دهد.

۵. قناده از پای، کرد از عجز فریاد / ز شاخه مادرش آواز در داد

واژه‌های مهم: قناده: افتاد/ عجز: ناتوانی / آواز در داد: صدا زد.

نکته ادبی: قناده از پای: کنایه از ناتوان شدن.

معنا و مفهوم: خسته و درمانده شد و از شدت ناتوانی فریاد زد (آه و ناله کرد) و مادرش از روی شاخه‌ای او را صدا زد:

نکته: معنای این بیت و بیت بعد، به هم وابسته است (در اصطلاح به آن موقوف‌المعانی گویند).

۶. تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟

واژه‌های مهم: دشوار: سخت / بس: بسیار / نوکار: تازه کار، بی تجربه.

معنا و مفهوم: برای تو پرواز کردن بسیار زود و سخت است. کسی

از بی تجربه‌ها، انتظار ندارد کارهای بزرگ و سخت انجام دهند.



۷. هنوزت نیست پای برزن و بام / هنوزت نوبت خواب است و آرام

واژه‌های مهم: برزن: محلّه، کوی / بام: پشت بام.

نکته‌های ادبی: برزن و بام: مراعات نظیر / خواب و آرام: مراعات نظیر / پای بام و برزن نداشتن: کنایه از ناتوانی در

انجام کاری.

معنا و مفهوم: تو هنوز توانایی پرواز کردن و پریدن در محلّه و پشت بام را نداری. هنوز زمان استراحت و آرامش تو

است.

۸. تو را توش، هنرمی باید اندوخت / حدیث زندگی، می باید آموخت

واژه‌های مهم: توش: توشه، اندوخته / اندوختن: جمع کردن / حدیث: داستان، سخن / حدیث زندگی: راه و روش زندگی.

نکته‌های ادبی: توش هنر: «هنر» به «توشه» تشبیه شده است. / می باید، می باید: تکرار / حدیث زندگی: زندگی به

حدیث تشبیه شده است.

معنا و مفهوم: تو هنوز باید هنر بیاموزی و تجربه کسب کنی و راه و رسم زندگی کردن را یاد بگیری.

۹. باید هر دو پا محکم نهادن / از آن پس فکر برپای ایستادن

واژه‌های مهم: می باید: باید / نهادن: گذاشتن.



نکته ادبی: نهادن و ایستادن: قافیه.

معنا و مفهوم: تو بایستی یاد بگیری که نخست پاهایت را محکم بر زمین بگذاری؛ سپس به فکر ایستادن باشی.

۱۰. من اینجا چون نگهبانم تو چون کنج
تورا آسودگی باید مرا رنج

نکته های ادبی: آسودگی و رنج: تضاد/ نگهبان و کنج: مراعات نظیر/ در مصراع اول، دو تشبیه به کار رفته است.
معنا و مفهوم: من در اینجا مانند نگهبان هستم و تو مانند کنج هستی. من باید برای مراقبت از تو سختی بکشم تا تو آسوده و راحت باشی.

۱۱. مراد دام با بسیار بستند
ز بالم کودکان پر شکستند

واژه مهم: دام: تله.

نکته های ادبی: بستند و شکستند: قافیه. / پر و بال: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: من گرفتار دامهای زیادی شده ام و بارها کودکان پرو بالم را شکسته اند.

۱۲. که از دیوار سنگ آمد، که از در
گمم سر پنجه خونین شد، گمی سر

واژه مهم: گه: کوتاه شده (مخفف) «گاه».

نکته های ادبی: در و دیوار: مراعات نظیر/ در، سر: قافیه/ سر و سر پنجه: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: گاهی از دیوار و گاهی از در به من سنگ زدند، گاهی سر پنجه ام و گاهی هم سرم زخمی و خونین شد.

۱۳. گنشت آسایشم یک بخت دمساز
گمی از گربه ترسیدم که از باز

واژه های مهم: دمساز: همدم/ باز: نوعی پرنده شکاری.

نکته ادبی: دمساز و باز: قافیه/ گربه، باز: مراعات نظیر.

معنا و مفهوم: آسایش و راحتی یک لحظه همراه و همدم من نبود، گاهی از گربه و گاهی از باز شکاری ترسیدم (از آسمان و زمین به من هجوم آورده شد).

۱۴. هجوم فتنه های آسمانی
مرا آموخت علم زندگانی

واژه مهم: هجوم: حمله، یورش/ فتنه: بلا، آشوب/ را: به/ مرا: به من.

نکته های ادبی: آسمانی و زندگانی: قافیه/ هجوم فتنه های آسمانی: آرایه تشخیص.

معنا و مفهوم: بلاها و سختی های روزگار به من درس زندگی کردن را آموخت.

۱۵. نگردد شاخک بی بن برومند
ز تو سعی و عمل باید، ز من پند

واژه مهم: بی بن: بی ریشه/ برومند: باثمر، پربار/ سعی: تلاش و کوشش/ پند: نصیحت و اندرز.

نکته های ادبی: نگردد شاخک بی بن برومند: مثل/ برومند و پند: قافیه/ شاخک، بن و بر: مراعات نظیر.



معنا و مفهوم: شاخه کوچک و بدون ریشه، میوه و ثمری نمی‌دهد. تو باید سعی و تلاش کنی و

من هم باید تو را اندرز و نصیحت کنم.

پروین اعتصامی: فرزند یوسف اعتصام الملک آشتیانی در تبریز متولد شد. سرودن شعر را در هشت سالگی آغاز کرد. پروین نخستین شعرهایش را در مجله بهار به چاپ رسانید و مورد تشویق اهل ادب قرار گرفت. تنها اثر پروین دیوان شعر اوست که شامل قصاید و قطعات بسیار دلنشین است. بیشتر قطعات پروین حالت مناظره یا گفت‌وگو دارد. سرانجام در سال ۱۳۲۰ بر اثر بیماری حصبه درگذشت. آرامگاه او در شهر قم کنار صحن حضرت معصومه (س) قرار دارد.



بازگردانی (تبدیل شعر به نثر): گاهی در شعر برای ایجاد زیبایی و تأثیرگذاری یا حفظ وزن و آهنگ کلام و شعر، جای اجزای سخن تغییر می‌کند. در بازگردانی محتوا و پیام شعر به زبان ساده و قابل فهم بیان می‌شود.

نمودش بس که دور آن راه نزدیک
شدش کیتی به پیش چشم تاریک

در این بیت، شاعر برای رعایت وزن و آهنگ کلام، جای اجزای سخن را تغییر داده است. اگر ما شعر را به نثر برگردانیم، به این شکل می‌شود:

آن راه نزدیک، آن قدر دور به نظرش رسید که دنیا پیش چشم او تاریک شد.

تکنه زبانی

متمم: متمم مانند نهاد و مفعول یکی از نقش‌های دستوری است که توضیح بیشتری درباره جمله می‌دهد. متمم پس از حرف اضافه می‌آید. کلمه‌هایی مانند «از، به، در، و...» حروف اضافه هستند و بعد از آنها متمم می‌آید؛ مانند: علی به مسافرت رفت.

در این جمله، «به» حرف اضافه و «مسافرت» متمم است.



از بایزید بسطامی (رحمة الله علیه) پرسیدند که ابتدای کار تو چگونه بود؟ گفت من ده ساله بودم، شبی از عبادت خوابم نمی برد. شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرداست، نزد من بنُشب.

بایزید بسطامی: از عارفان قرن سوم / رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ: رحمت و درود خدا بر او باد / بَحْسَب: بخواب / بایزید بسطامی: متمم / ابتدای کار تو: نهاد / عبادت: متمم.

مخالفت با خواهش مادر برایم دشوار بود، پذیرفتم. آن شب بیچ خوابم نبرد و از نماز شب باز ماندم. یک دست بردست مادر نهاده بودم و یک دست زیر سر مادر داشتم. آن شب، هزار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده بودم.

خواهش: درخواست / دشوار: سخت / باز ماندم: جا ماندم، دور ماندم / از نماز شب باز ماندم: نتوانستم نماز شب بخوانم / نهاده بودم: گذاشته بودم / خواهش مادر: متمم / نماز شب: متمم / دست مادر: متمم / هزار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»: مفعول.

آن دست که زیر سر مادر بود، خون اندر آن خشک شده بود. گفتیم: «ای تن، رنج از بهر خدای بکش» چون مادرم چنان دید، دعا کرد و گفت: «یارب، تو از وی شتو باش و در جش، درجه اولیا گردان».

دعای مادرم در حق من متجرب شد و مرادین جای رسانید.

www.my-dars.ir

بستان العارفين

خون اندر آن خشک شده بود: خواب رفته بود / از بهر: به خاطر / رب: پروردگار / خُشِنود: راضی / اولیا: جمع «ولی»، بزرگان دین / مستجاب شد: قبول شد، برآورده شد / درجه: مقام، رتبه / بدین: به این.